

آثار و پیامدهای ازدواج اجباری در فقه امامیه و حقوق ایران و راهکارهای حقوقی مقابله با آن

زهرا توفیق^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)، با آدرس پست الکترونیکی tofighzahra2020@gmail.com

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی آثار و پیامدهای ازدواج اجباری در فقه امامیه و حقوق ایران و راهکارهای فقهی - حقوقی مقابله با آن می‌باشد، ازدواج‌های اجباری، یکی از پرمخاطره‌ترین مشکلات اجتماعی است. اجبار به ازدواج باعث کم‌رنگ شدن تأثیر ازدواج می‌شود؛ که از زمان‌های دور تاکنون به اشکال مختلف بر زندگی افراد حاکم بوده است. بی‌تردید چنین ازدواج‌هایی از مهم‌ترین عوامل انحطاط خانوادگی است. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال هدف پژوهش و پاسخ به این سؤال اساسی که آثار و پیامدهای ازدواج اجباری در فقه امامیه و حقوق ایران و راهکارهای حقوقی مقابله با آن چیست؟ آنچه به‌عنوان نتیجه از مباحث ذکر شده استنباط گردیده، آن است که در نظام حقوقی ایران هرگونه ازدواج اشخاص زیر سن رشد ممنوع و باطل است، بدین‌صورت که طبق ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «رضای زوجین، شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال گره، عقد را اجازه کند، نافذ بوده؛ مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد»؛ همچنین ازدواج اجباری به‌نوعی توهین به نهادهای مذهبی و اجتماعی موجود در یک جامعه تلقی می‌گردد؛ به‌طوری‌که مرتکب این جرم، مکرر به‌عنوان ناقض حقوق بشر مورد سرزنش قرار گرفته و ارتکاب آن توسط اسناد حقوق بشری متعدّد نیز منع گردیده است، در ضمن از نظر جمیع فقها، اجبار به ازدواج مخل قصد و اراده زوجین بوده ولی در صورتی که ولی زوج یا زوجه با رعایت مصالح هر یک، می‌توانند اذن به ازدواج این اشخاص دهند. به هر صورت حتی با رعایت مصالح زوجین، در صورت عدم رضایت زوج یا زوجه، رابطه زوجیت فاقد وجهت شرعی است، در ضمن در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم آنکه رضای طرفین شرط نفوذ عقد ازدواج است؛ اما به‌موجب سایر قوانین، اعمال این حق با محدودیت‌های جدی مواجه است.

واژه‌های کلیدی

ازدواج اجبار، ازدواج اجباری، آثار و پیامدها، راهکارهای مقابله، فقه امامیه، حقوق ایران.

۱- مقدمه

پیوند زناشویی با توجه به قصد و هدف زوجین از ازدواج می‌تواند به دو صورت دائم یا منقطع باشد که هر کدام از انواع نکاح آثار خاصی را دارا است. «در نکاح منقطع زن و مرد تصمیم می‌گیرند به‌طور موقت با هم ازدواج کنند و پس از پایان مدت اگر مایل به ادامه آن بودند تجدید، وگرنه با انقضاء مدت از هم جدا خواهند شد. درحالی‌که مقتضای طبع نکاح دائم دوام و همیشگی است.» ازدواج دائم و موقت فقط در چند مورد باهم متفاوت‌اند و در بیشتر ابعاد، آثار مشترک دارند. (جوکار، ۱۳۹۱: ۱۵۷) در هر حالت اراده آزاد طرفین از شروط اصلی عقود بوده و شامل نکاح و انواع آن نیز می‌گردد. مقصود از ازدواج، پیوند زناشویی رسمی میان دو جنس مخالف است؛ به‌شرطی که آن‌ها شرایط شرعی و قانونی لازم را داشته باشند. ازدواج یکی از عقود بسیار مهم در نظام‌های حقوقی تمامی ملل دنیا به شمار می‌آید، عقد ازدواج از سایر عقود مستثنا نیست و شرایط صحت آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ضامن خلق عقد ازدواجی است که بتواند دربرگیرنده و رساننده طرفین عقد به اهداف ترسیم‌شده ازدواج باشد، شرایط صحت عقد، تضمین‌کننده ایجاد یک عقد صحیح است، این‌که والدین علاقه زیادی به اهداف سروسامان گرفتن فرزندان خود دارند، قابل‌انکار نیست. بالطبع اصرارشان برای ازدواج هم کاملاً طبیعی است. اما گاهی ممکن است اصرار والدین از حد طبیعی خود خارج شده و حالت اجبار و زور بگیرد. یا حتی فرزندان برای خاتمه دادن به این اصرارها و رهایی از برزخی که در خانواده دارند، تن به ازدواج با فرد موردنظر والدینشان بدهند که این رونده ازدواج تحمیلی یا اجباری می‌گویند؛ به این امید که شاید عاقبت این ازدواج خوب باشد و محبتی که در دلشان ندارند، در طول زندگی به وجود بیاید. اما واقعیت این است که ازدواج‌های این‌چنینی به دلیل عدم وجود عشق و علاقه طرفین به یکدیگر و حتی تنفر از هم در بیشتر مواقع به سردی و جدایی می‌انجامد، بنابراین امروزه یکی از معضلات اجتماعی که حق مشروع و گزینش همسر را از دختران سلب می‌نماید ازدواج‌های ناخواسته یا اجباری می‌باشد. این آسیب کم‌وبیش در مناطق گوناگونی از جهان وجود دارد، اجبار به ازدواج باعث کم‌رنگ شدن تأثیر ازدواج می‌شود؛ که از زمان‌های دور تاکنون به اشکال مختلف بر زندگی افراد حاکم بوده است. اضطرار، اجبار و اکراه به‌عنوان سه عامل محل قصد هستند؛ اجبار و اکراه در قانون، اغلب مترادف به کار می‌روند؛ ولی در تعاریف فقهی تفاوت‌هایی وجود دارد. اجبار در برخی از موارد، سبب سلب اراده شخص مجبور می‌شود، برخلاف اکراه. همچنین تحقق اکراه منوط به تهدید و حصول خوف است، برخلاف اجبار؛ اجبار باید از سوی حاکم و حکومت باشد برخلاف اکراه که غالباً از سوی غیر حاکم صورت می‌گیرد. اکراه در نکاح با اضطرار در ازدواج تفاوت دارد. چنانچه بر زوجین، فشار مادی یا معنوی به‌وسیله شخصی، وارد شود و او را وادار به عقد نماید، ازدواج اکراهی نامیده می‌شود، این عقد صحیح نیست زیرا فاقد رضاست. اما اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به نوع ازدواج کند، مکره محسوب نشده چراکه رضا موجود است و معامله اضطراری معتبر خواهد بود، نکاح اجباری یا ازدواج اجباری عبارت از مجبور کردن یا تحت‌فشار درآوردن فردی برای ازدواج است. به‌عبارت‌دیگر زن یا مرد جوانی در اثر فشار روحی یا تهدید و مورد سوءاستفاده قرار گرفتن فیزیکی مجبور به ازدواج شود. ازدواج اجباری با ازدواج سنتی که در آن آشنایی دختر و پسر به‌وسیله دوست یا اعضای خانواده است ولی ازدواج با رضایت زوج صورت می‌گیرد تفاوت دارد، در ازدواج اجباری رضایت وجود ندارد و مسئله رضایت طرفین عقد یکی از شرایطی است که به‌عنوان شرطی از شروط صحت عقد ازدواج مطرح است و فقدان تحقق این شرط، تبعات حقوقی و فقهی خودش را دارد. ذکر این نکته ضروری است که در قانون ایران در بیشتر موارد از اجبار با عنوان اکراه نام برده شده است؛ بنابراین بسیاری از قوانین اکراه برای اجبار قابل‌اجرا می‌باشد، اجبار عبارت است از وادار کردن کسی بر انجام دادن کاری و تهدید او بر ترک آن، درحالی‌که اکراه با وادار کردن کسی بر کاری بدون تهدید بر ترک آن نیز صادق است، این تنها تفاوت اجبار و اکراه است. ذکر این نکته ضروری است که اجبار شدیدتر از اکراه است و در مورد ازدواج اجباری در مجموعه قوانین حرفی گفته نشده و متأسفانه قوانین داخلی ما در این زمینه ضعیف هستند؛ باین‌حال می‌توان با وضعیت موجود، قوانین مربوط به اکراه را به اجبار

تعمیم داد و از آن‌ها استفاده کرد؛ کما اینکه در رویه‌های قضایی ایران، در شکایات مربوط به ازدواج اجباری از قوانین موجود در مورد اکراه استفاده شده است. در قوانین بین‌الملل نیز پدیده ازدواج اجباری توسط تعداد زیادی از متخصصان به‌عنوان جرمی چندلایه، تعریف شده است، این جرم ممکن است؛ شامل تجاوز، بردگی جنسی، حاملگی اجباری و کار اجباری گردد که هر یک از این جرائم به‌تنهایی جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد. در کشوری که فرهنگ و تمدن اسلامی در آن بسیار پررنگ و عمیق است، باید ازدواج در تمام ابعاد آن به‌درستی انجام شود؛ چراکه ازدواج نهاد اجتماعی مهمی است که بر جامعه و افراد آن تأثیر مستقیم دارد و اسلام برای این نهاد اجتماعی ارزش فوق‌العاده‌ای قائل است. ازدواج اجباری پیوند زناشویی رسمی است که در آن رضایت و اراده زوجین با یکی از آن‌ها نادیده انگاشته می‌شود بی‌تردید علل گوناگونی در بروز این هنجارها تأثیر دارد. اما به‌هرحال باید آثار منفی آن را بر روابط خانوادگی مورد مطالعه قرار داد و آن را به‌عنوان آسیب جدی در نظر گرفت. طبق نظر فقهای امامیه، تزویج اجباری صحیح نیست، بنابراین، امر نکاح بالغه‌ی باکره، مطابق قانون مدنی ایران می‌بایستی با اذن و اجازه‌ی مشترک ولی و دختر صورت گیرد و در غیر این صورت، این عقد نکاح اگر فقط توسط ولی انجام شود فضولی محسوب می‌شود که استواریش، منوط به تأیید بعدی دختر است و اگر دختر، نارضایتی خود را، ابراز دارد، عقد باطل خواهد بود.

نظر به علل و پیامدهایی که بی‌توجهی به موضوع حداقل سن ازدواج و رضایت که ارتباط مستقیمی با سن ازدواج دارد، برای فرد، خانواده و جامعه دارد، ازدواج زود هنگام و اجباری یکی از دغدغه‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر است که دولت‌ها مکلف به قانون‌گذاری و انجام اقدامات مقتضی درباره آن می‌باشند و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد از جمله صندوق حمایت از کودکان ملل متحد (یونیسف)، سازمان جهانی بهداشت، صندوق جمعیت ملل متحد، یونسکو و بانک جهانی، تاکنون برنامه‌هایی را برای مقابله با آن تدوین و اجرا نموده‌اند.

اجبار به ازدواج نه‌تنها در کشور ایران؛ بلکه در کل دنیا وجود دارد که باعث کم‌رنگ‌شدن تأثیر ازدواج می‌شود؛ زیرا اگر به‌زور و اجبار کسی را وادار به کاری کنند از نظر حقوقی و جزایی عواقبی را در پی خواهد داشت، ازدواج اجباری مصداق تضییع حقوق انسان‌هاست و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی محسوب می‌شود. دختران جامعه قربانیان اصلی آن هستند. معمولاً ارتباط نزدیکی بین ازدواج اجباری و ازدواج کودکان وجود دارد. در نظام حقوقی ایران، با این‌که بیشتر آثار نکاح به‌وسیله قانون معین می‌شود و زوجیت رابطه حقوقی خاصی است که اشخاص نمی‌توانند شرایط و نظام آن را به هم بزنند باید پذیرفت که به‌هرحال نکاح عقد است و باید شرایط اساسی کلیه عقود را که قانون‌گذار در ماده ۱۹۰ قانون مدنی برشمرده است، داشته باشد. بدون تردید اگر در قراردادی یکی از دو طرف قصدی برای انعقاد نداشته باشند، آن قرارداد باطل است و یکی از قراردادهای عقود مسلم در فقه امامیه و قانون مدنی عقد نکاح است؛ هم زن و هم مرد باید از روی قصد و اراده آزاد مبادرت به نکاح کنند و هرگونه نکاحی اگر بر روی جبر و اجبار تحقق پیدا کند، هیچ اثر حقوقی بر آن بار نمی‌شود. لذا برای روشن شدن این امر به فروض اجبار به ازدواج در حقوق و قوانین داخلی و بین‌المللی پرداختم، ذکر این نکته لازم است که در قوانین داخلی از ازدواج اجباری با عنوان اکراهی و در قوانین بین‌الملل تحت عنوان جنایات علیه بشریت و سایر اعمال غیرانسانی نام برده شده است. از آنجاکه خانواده نهاد مقدسی در اسلام است که اهمیت ویژه‌ای دارد، باید تمام قواعد و قوانین در اجرای آن رعایت شود تا ازدواج تأثیر واقعی خود را بر جای بگذارد؛ همچنین طبق گفته پیامبر اکرم(ص) ازدواج، باعث تکمیل دین می‌شود، ازدواج شرایطی دارد که باید رعایت شود، حال اگر کسی بدون قصد و اراده و اختیار که از شرایط اساسی صحت آن است، ازدواج کند عقد او صحیح نمی‌باشد و ازدواج‌هایی که از روی اجبار باشند علاوه بر بطلان عقد، اثر سوء و جبران‌ناپذیری را هم دارا می‌باشند. واضح است که اگر دختر یا پسر و یا احیاناً هردوی آن‌ها حاضر به تشکیل خانواده و شروع زندگی مشترک با همدیگر نباشند و در اثر تحریک، تهدید یا اکراه دیگران تن به ازدواج با کسی بدهند، چگونه ممکن است آن ازدواج استوار بوده، خوشی و لذت در میان خانواده‌ها پایدار گشته، صفا و آرامش روحی و فکری که یکی از عوامل اصلی تشکیل آن می‌باشد، ادامه داشته

باشد؛ بنابراین این مسئله زمانی که نهاد خانواده را سست می‌کند از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است؛ زیرا چه بسیار ازدواج‌هایی که در اثر اجبار از جانب ولی و یا غیر به طلاق انجامیده و عاقبت خوشی نداشته است. بنابر اهمیتی که ازدواج در جوامع بشری دارد، پاسخی به نیازهای عاطفی و جسمی انسان می‌باشد. همواره در طول تاریخ با تحولات شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، دست‌خوش تغییر شده، لذا این تحقیق به لحاظ عملی برای جوامع کشوری و همچنین در عرصه بین‌المللی حائز اهمیت است زیرا آثار سوء ناشی از عدم رعایت مقررات بین‌المللی در امر ازدواج مقررات زیادی را به وجود آورده است که هم افراد و هم دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که پدیده ازدواج اجباری و تحمیلی با توجه به آمار رخداد آن و تأثیراتی که، می‌تواند بر زوجین، ساختار خانواده، طلاق و تربیت نسل آینده داشته باشد نیازمند انجام پژوهش‌ها و بررسی‌های بیشتری است، تا از این رهگذر عوامل بروز و پیامدهای آن به صورت شفاف مشخص شده و با اطلاع رسانی نتایج این پژوهش‌ها به مسئولان امر اقدامات و راهکارهایی پیش‌بینی شود که حتی‌الامکان از پیامدهای منفی آن جلوگیری به عمل آید. اهمیت این موضوع من را بر آن داشت تا از رهگذر مقاله حاضر، به بررسی سازوکارها فقهی - حقوقی و قواعد مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در خصوص حمایت از افراد در مقابل ازدواج‌های اجباری پرداخته و مورد تدقیق و شناسایی قرار دهد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی آثار و پیامدهای ازدواج اجباری در فقه امامیه و حقوق ایران و راهکارهای حقوقی مقابله با آن می‌باشد. با توجه به هدف پژوهش به دنبال پاسخی برای پرسش‌های زیر می‌باشد:

- ۱- ازدواجی که از روی اکراه یا اجبار صورت گیرد، از نظر قانونی و فقهی چه آثاری بر عقد نکاح تحمیل می‌کند؟
- ۲- آیا نظام حقوقی ایران مکانیسم‌هایی را جهت ممنوع یا محدود ساختن ازدواج اجباری پیش‌بینی کرده است؟
- ۳- چه موانعی در راه مطابقت نظام حقوقی ایران با استانداردهای مقرر در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در زمینه ازدواج اجباری وجود دارد؟

۲- تبیین مفاهیم واژگان

۲-۱- ازدواج

ازدواج در لغت به معنی جفت گرفتن، زن یا شوهر کردن، با یکدیگر جفت و قرین شدن (دهخدا) و ایجاد پیوند زناشویی است که به وسیله صیغه عقد، ایجاد می‌شود. در مذهب شیعه امامی، ازدواج دو قسم موقت و دائم دارد. در ازدواج موقت، در صیغه عقد، مدت معینی در نظر گرفته می‌شود و بعد از آن مدت، زن و شوهر بدون طلاق از هم جدا می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۹۸).

ازدواج مهم‌ترین عرف و رسم معمول در تمام جوامع است که به دلیل نقش بااهمیت آن در فراهم‌سازی ساختار و زیربنای تشکیل خانواده و نیز گسترش نسل، به عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نوع ارتباط معرفی شده است. ازدواج، پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. ازدواج فرایندی است که تحت شرایط و مراسم قانونی، شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل آن مورد پذیرش شرع، قوانین و تشکیلات اجتماعی است. ازدواج در صورتی برای نظام اجتماعی کارکرد مثبت دارد که در زمان مناسب و با فرد مناسب صورت بگیرد، یعنی؛ اگر زوجین در سن مناسب ازدواج نباشند و بلوغ فکری لازم برای تشکیل زندگی را نداشته باشند، مطمئناً توانایی انتخاب فرد مناسب را نخواهند داشت و نتیجه آن هم آسیب‌های فردی است که بر خود این افراد وارد می‌شود و هم تأثیرات اجتماعی که بر اثر این ازدواج، گریبان‌گیر

جامعه می‌شود که از بیماری‌های جسمی و روانی و نارضایتی از زندگی زناشویی گرفته تا نرخ پایین مشارکت اجتماعی و جامعه‌پذیری ناقص در خانواده که خود آثار فردی و اجتماعی فراوانی دارد. بر این مبنا سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود (مسلمی زاده، ۱۳۹۰: ۶۵).

۲-۲- قصد و رضا

رضایی بودن عقد، شیوعی تام دارد و این مطلب تقریباً بر قلم عموم بزرگان متقدم فقه و حقوق و جمع کثیری از متأخرین، جاری شده است؛ ولی این شیوع نباید موجب غفلت از واقعیت مسلم قصدی بودن عقد گردد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۳۷). اگرچه عقد منعقد با صرف قصد و بدون رضا منشأ اثر نیست؛ اما در هر حال عقد را صاحبان قصد می‌آفرینند «العقود تابعه للعقود»، (حسینی عاملی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۴). تبعیت عقد از قصد، امری مسلم است و در قالب قاعده حقوقی «العقود تابعه للعقود» مورد بحث واقع می‌شود (موسوی بجنوردی، تحقیق مهریزی و درایتی، ۱۴۱۹ق: ۱۱۶). حال در قصد طرفین و رضای آن‌ها ماده ۱۹۱ ق. م این چنین بیان می‌کند: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

۲-۳- فقدان رضا در عقد (اکراه)

از آنجاکه رضای طرفین شرط نفوذ عقد است؛ بنابراین در صورت فقدان رضای یکی از طرفین، غیر نافذ باشد، عقد غیر نافذ باطل نیست؛ بلکه عقد صحیحی است که به علت راضی نبودن یکی از طرف‌ها به انعقاد آن، آثار قانونی عقد در آن جریان ندارد. عقد غیر نافذ در عالم حقوق، موجود اعتباری ناقصی چون یک اسکلت بی‌روح است که هرگاه نقص آن با تنفیذ بعدی طرف ناراضی؛ یعنی با اعلام رضای او پس از انشای عقد برطرف شود، عقد نافذ و کامل می‌شود و آثار حقوقی آن جریان پیدا می‌کند و اگر شخص ناراضی، عدم رضایت خود را بعداً اعلام کند، آن موجود ناقص اعتباری هم ناپود می‌شود. شخص ناراضی، تحت تأثیر تهدید مؤثر و غیرمجاز مبادرت به تشکیل عقد می‌کند، این تهدید را در اصطلاح حقوقی اکراه، طرفی را که در اثر اکراه عقد را انشاء می‌کند مکره، تهدیدکننده را مکره، عقد را اکراهی و این حالت اکراهی را در مکره اصطلاحاً گره می‌گویند. باید دانست که اکراه در حالت عادی واقعاً طرف ناراضی را به انشای عقد برمی‌انگیزد و طرف مزبور، عقد را منعقد می‌کند، درحالی‌که نسبت به آن رضایت ندارد؛ همچنان که در امور مادی ممکن است شخص، تحت تأثیر اکراه و بدون اینکه مایل و راضی باشد، اتومبیلی را تعمیر کند یا به مسافرت برود؛ اما چون در مرحله سنجش، فشار ناشی از تهدید به عنوان یک عامل مؤثر وارد شده و تهدیدشونده را به اتخاذ تصمیم وادار ساخته است. با این حال ممکن است در موارد غیرعادی، اکراه به درجه‌ای شدید باشد که فرصت و توانایی سنجش و اتخاذ تصمیم را سلب کند و در نتیجه مانع پیدایش قصد انشاء و اراده تشکیل عقد گردد که در این موارد، عقد به دلیل فقدان قصد انشاء باطل خواهد بود، نه غیر نافذ؛ مانند اینکه شخصی لوله سلاح گرمی را پشت گردن دیگری قرار دهد و به این وسیله او را تهدید کند که اگر سهام فلان شرکت را به او فروشد و ایجاب آن را در همین زمان واقع نسازد، گلوله را رها خواهد کرد و در آن حال غیرعادی، تهدیدشونده بگوید سهام را به تو فروختم که در این شرایط ممکن است اصلاً تهدیدشونده توجهی به مفهوم جمله «فروختم» نداشته باشد و صرفاً برای رهایی جان خود از آن وضعیت خاص کلمه «فروختم» را به زبان بیاورد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۷۵).

۲-۴- اجبار

اجبار به عنوان یکی از علل رافع مسئولیت به حالتی اطلاق می‌شود که مجرم، علی‌رغم برخوردار بودن از عقل و هوش متعارف در شرایطی قرار می‌گیرد که به ارتکاب جرم دست می‌زند، برخی از حقوقدانان بین جنون و اجبار تفکیک به عمل آورده‌اند که ابهام دارد، به اعتقاد ایشان در جنون اصولاً اراده شخص زایل می‌شود و شخص مجنون هیچ‌گونه قدرت تمییزی برای تشخیص

خوب و بد ندارد، آگاه از طبیعت عمل مجرمانه‌ای که انجام می‌دهد، نیست؛ درحالی‌که مجبور با آگاهی اقدام می‌کند، می‌داند چه عملی انجام می‌دهد.

این تفکیک بیشتر صوری است تا واقعی؛ زیرا وقتی بحث از اجبار پیش می‌آید، موضوع عبارت از فقدان اراده آزاد مرتکب در ارتکاب جرم است، قوه قهریه‌ای که او را به ارتکاب جرم کشانیده آن چنان قوی است که مسئولیت را زائل می‌سازد، در غیر این صورت فاعل باید پاسخگویی عمل خود باشد؛ لذا نمی‌توان گفت که مجبور با آگاهی، اقدام به عمل مجرمانه نموده؛ زیرا در حقیقت در غالب موارد اراده فاعل جرم، جانشین اراده مجبور شده است، درنهایت روشن است که میزان عدم آگاهی و درجه آن در جنون و اجبار تفاوت می‌کند.

اجبار را باید از حالت ضرورت در حقوق جزا جدا ساخت و این جداسازی بسیار دقیق است، می‌توان با عقیده بسیاری از حقوقدانان تقریباً همراه بود که «اجبار، اراده آزاد را از بین می‌برد و به اعتقاد ما بهتر است گفته شود که مسئله جانشینی اراده در غالب موارد پیش می‌آید؛ در صورتی که در حالت ضرورت اراده به نحوی آن چنان شدید، دستخوش تهاجم قرار نمی‌گیرد و برای فاعل جرم مقداری آزادی عمل متصور است». به اعتقاد برخی از حقوقدانان اجبار نیز مانند دیوانگی جرم را از بین نمی‌برد؛ بلکه مسئولیت فاعل را رفع می‌کند، به همین دلیل، معاون یک شخص مجبور اگر خود در شرایط اجبار نباشد، قابل تعقیب و مجازات است (نوربها، ۱۳۸۷: ۳۰۹).

اجبار از نظر حکم شرعی به اجبار به حق و ناحق تقسیم می‌شود، فقها اتفاق نظر دارند که اجبار به حق، منافاتی با اختیار و اطاعت شرعی ندارد، وگرنه اجبار، بی‌فایده خواهد بود؛ مثلاً هرگاه حاکم، ممتنع زکات را به پرداخت آن مجبور کند، این زکات صحیح خواهد بود و اخذ این مال از سوی طلبکاران صحیح خواهد بود؛ اما در مورد اجبار به ناحق، آثار آن به اختلاف قول و فعلی که اجبار بر آن‌ها واقع می‌شود، مختلف است؛ بنابراین، آثار اجبار در اقرارات با آثار آن در عقود و تصرفات یا در بعضی از افعالی که از فرد مجبور صادر می‌شود، خواه آن افعال فی ذاته حلال باشند یا حرام متفاوت خواهد بود؛ چنانکه شیخ جعفر کاشف الغطاء می‌فرماید: «هیچ عبادت، عقد و ایقاعی با اجبار صحیح نیست، مگر اینکه بر مکلف واجب باشند و او با اختیار از انجام آن‌ها امتناع کند، در این صورت حاکم، وی را مجبور به آن‌ها می‌کند، این اجبار حاکم، جایگزین اختیار و قصد و نیت مکلف خواهد شد» (کاشف الغطاء، ۱۲۷۱ق: ۲۵۸).

۲-۵- ازدواج اجباری

ازدواج اجباری، پیوند زناشویی رسمی است که در این پیوند، رضایت و اراده زوجین یا یکی از آن‌ها نادیده انگاشته می‌شود و برای برقراری این پیوند، از انواع فشارهای جسمی و روانی استفاده می‌گردد. نکاح اجباری یا ازدواج اجباری عبارت از مجبور کردن یا تحت فشار درآوردن فردی برای ازدواج است. به عبارت دیگر زن یا مرد جوانی در اثر فشار روحی یا تهدید و مورد سوءاستفاده قرار گرفتن فیزیکی مجبور به ازدواج شود. ازدواج اجباری با ازدواج سنتی که در آن آشنایی دختر و پسر به وسیله دوست یا اعضای خانواده است ولی ازدواج با رضایت زوج صورت می‌گیرد تفاوت دارد. در فرهنگ علوم اجتماعی، در مورد تعریف واژه اجبار چنین بیان شده است: اجبار، از ریشه لاتینی *constrigere* به معنای فشار دادن است و از نظر مفهومی، به معنای تحمل آزار جسمانی یا روانی است، خواه به جهت آنکه فرد علی‌رغم میل خود به انجام کاری مجبور شده است و خواه بدان جهت که از انجام آنچه می‌خواسته بازداشته شده است. فعل اجباری یعنی کاری که از روی قهر و ستم انجام گیرد (معین، ۱۳۷۸: ج ۱: ۱۴۶) و منظور از تحمیل، واداشتن کسی به انجام کاری یا پذیرش چیزی برخلاف میل او است. در این میان تبیین مفهوم «ازدواج اجباری» از مسائل مهمی است که در حق آزادی ازدواج مطرح می‌شود. در عرصه بین‌المللی و داخلی، تلاش‌هایی برای تعریف ازدواج اجباری صورت گرفته است؛ چنان‌که بر اساس قطعنامه ۱۴۶۸ شورای اروپا مصوب (۲۰۰۵) ازدواج اجباری شامل کلیه ازدواج‌هایی است که حداقل یکی از طرفین، فاقد رضایت کامل و آزادانه باشند (امیری، ۱۳۸۹: ۲۷۲). اتحادیه اروپا نیز در گزارشش بدون ارائه تعریفی، اعمالی مانند برده‌داری، ازدواج‌های مبتنی بر آداب و رسوم قومی، ازدواج

کودکان، ازدواج‌های زودهنگام، ازدواج‌های مبتنی بر شرم، ازدواج‌های مصلحتی، ازدواج با هدف کسب تابعیت و ازدواج صوری را از جمله مصادیق ازدواج اجباری دانسته است. باین حال، ازدواج اجباری متفاوت از «ازدواج از پیش برنامه‌ریزی شده» است که در بسیاری فرهنگ‌ها رایج است. در مورد اخیر، طرفین راضی به ازدواج هستند، هرچند مقدمات ازدواج توسط اشخاص ثالث و یا والدین صورت گرفته است. در گذشته در عرصه حقوق داخلی برخلاف دهه‌های اخیر، معنای مضیقی از اجبار پذیرفته شده بود، چنان‌که رویه قضایی انگلستان قبل از دهه ۱۹۸۰ تنها به‌کارگیری فشار جسمی یا تهدید به‌زور را اجبار می‌دانست. (مقدسی، عامری، ۱۳۹۵: ۱۷۲)

۲-۶- نکاح (ازدواج) فضولی

نکاح فضولی را هم می‌شود به‌نوعی ازدواج اجباری دانست که قانون مدنی نکاح فضولی را نیز تابع قواعد معامله فضولی قرار داده و آن را نافذ دانسته است نه باطل؛ بنابراین کسی که فضول برای او نکاح کرده است، حق دارد آن را بپذیرد یا رد کند. به‌طور معمول، هدف از ایجاب، فراهم‌آوردن زمینه‌ایجاد تعهد است و مقصود گوینده این نیست که پیش از قبول طرفین دینی برای او به وجود آید؛ به همین جهت هم اصولاً التزامی در نگهداری آن پیدا نمی‌کند؛ لیکن در عقد فضولی طرف عقد می‌خواهد که توافق او و فضول کامل باشد و نیازی به رضای اصیل پیدا نشود. از ظاهر ماده ۲۵۲ ق. م نیز همین معنی بر می‌آید، مطابق این ماده، «لازم نیست اجازه یا رد فوری بر موجب تضرر طرف اصیل باشد، مشارالیه می‌تواند معامله را برهم بزند». باید افزود که مشهور در فقه سکوت بکر را دلیل رضای او به عقد نکاح دانسته‌اند و زواجی را که دختر در آن سکوت می‌کند، در زمره عقود فضولی نیاورده‌اند، خواه سکوت در برابر اعلام نمایندگی از سوی او باشد یا اقدام پدر (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۴). امروزه نیز موارد زیادی از ازدواج اجباری در میان ملل مختلف وجود دارد. به‌عنوان مثال، چندهمسری، ازدواج گروهی یا چندجانبه، ازدواج خویشاوندی، نکاح اجباری با همسر برادری که فوت کرده که به عقد برادر مجرد درآوردند یا نکاح دختران زیر سن رشد با مردان بزرگسال که معمولاً ناشی از فقر مالی و سنت‌های غلط قبیله‌ای و خانوادگی است. (بازگیر، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۳۶).

۳- ازدواج اجباری از دیدگاه فقهی

۳-۱- ازدواج اجباری از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، ماهیت ازدواج یک قرارداد و پیمان با شرایطی ویژه است. اسلام با ازدواج اجباری مخالف است و چندهمسری به‌شرط تأمین مالی و رضایت زنان و نیز ازدواج مجنون، سفیه و یا کودکان نابالغ زمانی ممکن است که ولی یا قیم و حاکم شرع بنا به مصلحت دختر و رضایت او، نکاح آنان را مشروع می‌داند. دلیل ظهور ازدواج صیغه متعه نیز آن است که از ازدواج‌های اجباری جلوگیری شود. مبنای ازدواج در فقه امامیه مبتنی بر اصل آزادی ازدواج استوار می‌باشد. در این باره روایتی به ما کمک می‌کند تا درک صحیح از آزادی ازدواج به دست بیاوریم. مردی با امام هفتم درباره تزویج دخترش با برادرزاده‌اش، مشورت کرد. حضرت فرمودند: «این عمل صحیح است، اما به شرطی که دختر نیز به این ازدواج راضی باشد؛ زیرا دخترت نیز در این امر مهم و خطیر سهیم است. باید موافقت او را نیز جلب کنی» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۴: ۲۱۴)

۳-۲- ازدواج اجباری از دیدگاه قرآن کریم

در قرآن کریم از ازدواج اجباری با اصطلاح اکراه یاد شده است ولی موارد کاربرد آن معمولاً از جنبه حقوقی برخوردار نبوده است. به‌عنوان نمونه موضوع اکراه به سخن کفرآمیزی که مورد بخشایش خداوند قرار می‌گیرد (نحل/۱۶/۱۰۶)، به‌وضوح مربوط به شرایطی است که مسلمانی در دارالکفر مورد تفتیش عقیده قرار گرفته است. حتی آیه‌ای که مردم را از اکراه کنیزان به هرزگی بر حذر داشته، با این پیامد که در صورت اکراه خداوند بخشایشگر و مهربان است (نور/۲۴/۳۳)، آشکارا مربوط به دوره‌ای از تاریخ اسلام است که ضمانت اجرای کافی برای منع همگان از چنین عملی در کار نبوده است. آیه‌ای دیگر نیز آمده

است: هنگامی که زنان را طلاق دادید و مدت عده خود را به پایان رسانیدند، مانع آنان نشوید که با شوهران سابق یا کسان دیگر ازدواج کنند. اگر در میانشان به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد و خواسته باشند زندگی خانوادگی آبرومندانه‌ای به راه اندازند این همان چیزی است که کسانی از شما بدان پند داده می‌شوند که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند. این برای شما پربرکت‌تر و پاکیزه‌تر است. و خدا مصالح اجتماعی بشری و فواید نهفته در این احکام را می‌داند و شما اسرار این اوامر و نواهی را چنان که شاید و باید نمی‌دانید (بقره: ۲۳۲).

شاید رساترین آیه در تعیین سن ازدواج، آیه ۶ سوره نساء است که می‌فرماید: و ابتلو الیتامی حتی إذا بلغوا النکاح فان آنستم منهنم رشداً فادفعوا إلیهم اموالهم (یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح تمایل پیدا کردند. پس اگر آنان را به درک مصالح زندگانی آگاه یافتید، اموالشان را به آنان دهید).

۳-۳- ازدواج اجباری از دیدگاه احادیث

افزون بر آیات یادشده، برخی از عالمان اسلامی، معذور بودن «مستضعفان» (نساء/ ۹۸) را با «اکراه‌شدگان» منطبق دانسته و به استناد این آیه، آنان را از عقوبت اخروی برکنار شمرده‌اند. در سنت نبوی، بسط و تفسیر این مبحث قرآنی در شماری از اخبار و احادیث بازتاب یافته است؛ به‌عنوان نمونه، مواردی چند از این اخبار را بخاری در صحیح خود گردآورده و طبقه‌بندی کرده است. در میان احادیث نبوی در این باب، به‌خصوص باید به «حدیث رفع» اشاره کرد که در منابع اهل سنت به روایتی کوتاه‌تر از امامیه شهرت یافته است؛ بر اساس روایت ابن‌عباس و ثوبان، خداوند تکلیف را از امت پیامبر (ص) در صورت خطا، فراموشی یا اکراه، برداشته است و در روایت منقول از اهل‌بیت (ع)، به این سه، ۶ مورد دیگر از رفع تکلیف نیز افزوده شده است. (النسائی، بی‌تا ج ۶: ۳۹۴).

قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم: یفتح ابواب اسماء بالرحمه فی اربع مواضع: عند نزول المطر، و عند النظر الولد فی وجه الوالدین، عند فتح باب الکعبه و عند النکاح (مجلسی، ۱۳۷۰: ۲۲۱/۱۰۳).

پیامبر خدا (ص) فرمود: درهای آسمان در چهار وقت گشوده می‌شود: موقع بارش باران، زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد، هنگام گشودن کعبه، هنگام برپایی مراسم عقد.

و درجایی دیگر: قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم «إذا جائکم الاکفار فانکحوهن و لاتربصوا بهن الحدثان» پیامبر خدا (ص) فرمود: وقتی که اشخاص همشان به خواستگاری دختران شما آمدند به آن‌ها دختر دهید و در کار آن‌ها منتظر حوادث نباشید (پابنده، ۱۳۲۴: ۳۷/۱۹۳).

یکی از دوستان امام کاظم (ع) درباره تزویج دخترش به برادرزاده‌اش مشورت نمود. امام (ع) فرمود: انجام ده ولی این امر باید با رضایت خود دختر باشد. زیرا او در نفس خویش بهره‌ای دارد (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۰۱). در این حدیث از طرفی امام (ع) به پدر امر به نکاح نموده و از سوی دیگر فرموده است دختر هم در نفس خویش بهره و نصیبی دارد پس در نکاح رضایت او نیز شرط است.

۳-۴- ازدواج اجباری مطابق آموزه‌های فقه امامیه

مطابق آموزه‌های فقه امامیه، یکی از ارکان اصلی عقد نکاح، رضایت طرفین می‌باشد. چنانچه اگر یکی از طرفین نسبت به عقد نکاح رضایت نداشته باشد، عقد حاصله باطل و غیرشرعی تلقی می‌شود. حتی مطابق آموزه‌های فقهی، با اینکه در فقه برای پدر و جد پدری نسبت به دختران باکره رشیده ولایت قائل شده است، لیکن مجبور کردن آن‌ها به ازدواج با افرادی که رضایت به آن ندارند و یا جلوگیری از ازدواج آن‌ها با افراد هم‌کفو و هم‌شأنشان که به مصلحت وی باشد را ممنوع و غیرشرعی اعلام کرده است. قوانین موجود در کشور ایران نیز با توجه به انبعاث آن‌ها از قواعد و اصول فقه امامیه، ازدواجی را که شرط رضا در طرفین وجود نداشته باشد را غیرقانونی و باطل می‌دانند و چنانچه برای دادگاه احراز گردد که چنین ازدواجی رخ داده است حکم به ابطال عقد نکاح خواهد کرد. (نوری، ۱۳۹۴: ۱۵).

۳-۵- حکم شرعی ازدواج اجباری از نظر فقهی

همه مراجع رضایت زن و مرد به ازدواج شرط است و بدون آن عقد باطل است و برای جدا شدن نیازی به خواندن صیغه طلاق ندارد. مقام معظم رهبری: از نظر اسلام، زن در انتخاب همسر کاملاً آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند این حق را از زن سلب کند.

آیت الله سیستانی: عقد باطل است و نزدیکی حرام است و فرزندش وطی شبهه است.
آیت الله مکارم شیرازی: عقد حاصل نیست و آمیزش حکم زنا دارد و فرزند او نیز فرزند حلال‌زاده نیست و اگر پدر چنین کند مرتکب گناه بزرگی شده است. البته اگر زن مجبور به ادامه باشد فرزند به وجود آمده نامشروع نیست.

۴- ماهیت حقوقی ازدواج اجباری

تولد، ازدواج و مرگ، سه واقعه‌ی مهم زندگی انسان‌ها است. در بین وقایع یادشده تنها مقوله‌ی ازدواج انتخابی است. ازدواج در تمام طول تاریخ جزء حقوق قانونی افراد بوده درحالی‌که بسیاری از دختران و پسران از حق انتخاب در زمینه‌ی ازدواج برخوردار نبوده و مجبور بوده‌اند که در سنین پایین ازدواج کنند. ازدواج در واقع قراردادی دوطرفه است. مشخصه اصلی این قرارداد غیرمالی بودن آن است. هرچند به دلیل اهمیت فوق‌العاده ازدواج، آثار و نتایج بسیار مهم مالی نیز بر آن بار می‌شود، ولی این آثار از قبیل مهریه و نفقه که به‌خودی‌خود از بسیاری عقود مالی مهم‌تر به نظر می‌آیند نمی‌توانند بر هدف و ماهیت اصلی ازدواج که امری غیرمالی است، خدشه‌ای وارد کنند. هرچند غالباً در ضمن عقد ازدواج مهریه نیز ذکر می‌شود، اما باید گفت که اساس نکاح دائم، در قانون کشورمان و فقه امامیه حتی بدون ذکر مهریه کاملاً صحیح و معتبر است. ارث و نفقه نیز به‌عنوان سایر آثار مالی ازدواج را نیز نمی‌توان جزو ماهیت آن دانست؛ حتی توافق برخلاف این آثار از جانب زوجین، از دید قانون به‌هیچ‌وجه قابل‌اعتنا نیست. با همین استدلال می‌توان دریافت که ازدواج اساساً عقدی غیرمالی بوده و حتی بسیاری از ضوابط کلی حاکم بر عقود مالی را نمی‌توان در مورد ازدواج اجرا کرد. در قانون مدنی ایران نکاح جزء عقود به حساب می‌آید؛ یعنی قراردادی است که بین زن و مرد منعقد می‌شود. در عقد نکاح زن فروشنده و مرد خریدار است. کالایی که طبق این قرارداد مبادله می‌شود تمتع مرد از جسم زن برای مدت نامعین (نکاح دائم) یا معین (نکاح منقطع) در برابر پرداخت مهر و نفقه است. به عبارت ساده‌تر مرد در این معامله تمتع از جسم زن را در برابر پرداخت مهر به خود اختصاص می‌دهد. عقد نکاح از لحاظ صوری با عقود دیگر تفاوتی ندارد جز این‌که بهای کالای مبادله شده را مهر می‌خوانند و مقررات و شرایط خاصی به سبب نوع کالای مبادله شده (تمتع از جسم یک انسان) بر آن حاکم است (حیدری نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

مهر اگر به تراضی طرفین تعیین شود مهرالمسمی نامیده می‌شود و اگر بعد از عقد و قبل از رضایت بین زوجین نزدیکی واقع شود زوجه طبق ماده ۱۰۸۷ مستحق مهرالمثل خواهد بود. طبق ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی، ملاک تعیین مهرالمثل حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به مآئل و اقران و همچنین معمول محل و غیره است؛ یعنی زن کالایی است که بهای او با توجه به وضعیت طبقاتی زیبایی و ملاک‌هایی از این قبیل تعیین می‌شود. (نیک‌خواه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۷)

ازدواج اجباری مصداق تضییع حقوق انسان‌هاست و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی محسوب می‌شود. دختران جامعه قربانیان اصلی آن هستند. وقوع این پدیده در جوامع امروزی خیلی زیاد است، بخصوص در دهستان‌ها که حاکمیت دولتی ضعیف است. قربانیان این پدیده دختران خردسال از سن ۸ به بعد می‌باشد. معمولاً ارتباط نزدیکی بین ازدواج اجباری و ازدواج کودکان وجود دارد. (غدیری، ۱۳۹۵: ۱۳۶)

از دیدگاه جامعه‌شناختی، آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و به هنگام و محیط آرام‌بخش خانواده است. ازدواج عامل پیدایی خانواده است ولی ازدواج زودهنگام کودکان با کودک همسری می‌تواند منجر به بروز اختلالاتی در پیدایش و شکل‌گیری خانواده‌های جدید و همچنین خود شخص گردد (احمدی، ۱۳۹۴: ۶).

در قانون مدنی آثار حقوقی عقدی که رضایت در آن نیست مورد بحث قرار گرفته و گفته شده شرایط صحت یک معامله قصد و رضای طرفین است و ازدواج نیز که یک قرار داد محسوب می‌شود اجبار و اکراهی در آن نباشد تا جایی که قانون مدنی ما در مورد ازدواج نیز پیش رفته و گفته رضایت زوجین شرط نفوذ عقد است و در غیر این صورت عقد باطل است و این نکته بسیار مهمی است که قانون‌گذار این عزت را برای طرفین عقد ازدواج تأمین کرده که انسان‌ها در انتخاب همسر آزادند به طوری که ازدواج تحمیلی را باطل اعلام نموده، هنگامی که برای دادگاه محرز شود که در ازدواج، اکراه صورت گرفته است عقد باطل است، هیچ اثر حقوقی ندارد مگر اینکه فردی که با اکراه ازدواج کرده است پس از آن عقد را تنفیذ و تأیید کند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۵).

حسین شهبازی فراهانی (قاضی دادگاه کیفری تهران) درباره ازدواج اجباری می‌گوید، ازدواج اجباری در قانون دین ما جایگاهی ندارد و به شدت طرد شده است. در دین مقدس اسلام مرتب تأکید شده که وقتی عقد یا ازدواج بین دو نفر صورت گیرد باید رضایت کامل باشد در غیر این صورت باطل است. قاضی دادگاه کیفری در ادامه به شرط اذن پدر در ازدواج دختر اشاره می‌کند و می‌گوید: منظور از اذن پدر این نیست که پدر حق داشته باشد دختر خود را مجبور به ازدواج با فردی کند که هیچ علاقه‌ای به او ندارد. متأسفانه بحث ازدواج اجباری ریشه در فرهنگ سنتی و غلط ما دارد و از دیرباز وجود داشته است. این نوع عقد ازدواج از هر نظر که بررسی شود باطل است و به نظر می‌رسد برای از بین بردن این فرهنگ غلط به کار فرهنگی گسترده‌ای نیاز است (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۵).

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن امتیاز مضایقه کند، اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهریه که بین آن‌ها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.

ازدواج‌هایی که به‌طور ناخواسته بر فرد تحمیل می‌شود، به دودسته تقسیم می‌شوند:

اول: ازدواج تحمیلی به شیوه مستقیم که در این فرایند یکی از اعضای خانواده به‌طور معمول برادر یا پدر دختر را وادار به پذیرش ازدواج با مردی می‌کنند که دختر به زندگی مشترک با او راضی نیست، غالباً انگیزه‌های اقتصادی یا سیاسی در این نوع ازدواج‌ها مؤثر بوده است.

دوم: ازدواج اجباری که به شیوه غیرمستقیم بر فرد تحمیل می‌شود. این‌گونه ازدواج‌ها زیر فشار ساخت اجتماعی بر دختران جوان تحمیل می‌شود.

بر اساس قوانین ایران، سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال است ولی قانون این اجازه را به پدر یا جد پدری دختر داده که به تشخیص خود و با مصلحت کودک، او را قبل از ۱۳ سالگی نیز به عقد ازدواج درآورد. این در حالی است که بر اساس کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک که ایران نیز آن را امضا کرده، تمامی افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند. (شکری، ۱۳۸۷: ۱۳۳) این میثاق بین‌المللی همچنین ازدواج کودکان را ممنوع اعلام کرده است. بر اساس آخرین آمار ارائه شده از سوی سازمان ثبت‌احوال ایران، در ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۲، ازدواج ۳۱ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال ثبت شده است. بر مبنای این آمار بیش از یک‌سوم ازدواج‌های این مدت، مربوط به دختران زیر ۱۹ سال است. ازدواج‌های اجباری هیچ جایگاهی در قانون مدنی ندارد و طبق قانون، هر عقدی که به اجبار از سوی خانواده‌ها صورت گیرد، باطل است و به رسمیت شناخته نمی‌شود. (مقدادی و جواد پور، ۱۳۹۶: ۳۵). ازدواج اجباری باعث افسردگی و ترس در قربانیان این پدیده می‌شود و این

افراد دچار مشکلات روحی و جسمی مختلفی می‌شوند و می‌توانند به خودشان صدمه وارد کنند. همچنین برخی افرادی که قصد فرار از ازدواج‌های اجباری را داشته‌اند یا قربانی جرائم ناموسی شده‌اند یا خودکشی نموده‌اند.

درست است که اجبار در ازدواج یا حتی تشویق بیش‌ازاندازه اطرافیان به ازدواج آزردهنده است؛ اما هر ازدواجی که این شرایط را داشته باشد، اجباری نیست. ازدواج اجباری به ازدواجی گفته می‌شود که در آن دختر یا پسر توسط فردی دیگر چون والدین، سرپرست، خواهر یا برادر و... با تهدید، ارباب، مشوق‌های چشمگیر، خشونت یا قطع امکانات قبلی، مجبور به ازدواج با شخصی که هیچ علاقه‌ای به زندگی با وی ندارند، شوند. ازدواج اجباری چند قسم است:

- ازدواجی که از سوی والدین تحمیل می‌شود.

- ازدواجی که از سوی سرپرستان فرد چون برادر بزرگ‌تر، عمو و... اجبار می‌گردد.

- ازدواجی که از سوی خود فرد به خودش تحمیل می‌گردد.

- ازدواجی که قبایل تحمیل می‌کنند. مثل ازدواج‌های خون بس.

بنابراین ازدواج‌هایی که برخلاف خواست و رضایت زنان و به جبر صورت می‌گیرد یا به عبارتی مجبور کردن یا تحت فشار درآوردن فردی برای ازدواج است. به عبارت دیگر زن یا مرد جوانی در اثر فشار روحی یا جسمانی مجبور به ازدواج ناخوانده می‌شود. در روستاها و دهستان‌ها که حاکمیت دولتی کم‌اند این امر زیاد است. (محمدی، ۱۳۸۵) در طول تاریخ، انواع متعددی از این پدیده وجود داشته که زنان را همچون کالا یا وسیله‌ای برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و رفع اختلاف طایفه‌ای و قبیله‌ای مورد استفاده قرار داده‌اند: از جمله این ازدواج‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- ازدواج ربایشی، ۲- ازدواج یغمایی، ۳- ازدواج وراثتی، ۴- ازدواج از طریق خرید همسر، ۵- ازدواج سیاسی، ۶- ازدواج مبادله‌ای که در قسمت‌های بعدی به بررسی دقیق آن خواهیم پرداخت.

باوجود قوانین شرعی و قانون اساسی در کشور، چرا هنوز ازدواج اجباری صورت می‌گیرد؟ چند موضوع در این روند دخیل‌اند، اول فقر که به‌منظور دریافت پول دست به چنین کاری می‌زنند. دوم عدم آگاهی نیز در این جریان دخیل بوده، چون افراد و

اشخاصی که دست به چنین عملی می‌زنند، آگاهی از عواقب بد آن، از اوامر و قوانین مدنی و اسلامی ندارند، بنابراین دست به انجام ازدواج‌های اجباری می‌زنند. سوم نگاه زن ستیزانه و شیء انگاری به زن است. امروزه بیش از ۸۰ درصد جوانان به‌صورت اجباری ازدواج می‌کنند. (که آمارها نشان می‌دهد ۳۰ درصد این ازدواج‌ها به طلاق کشیده می‌شود) اجباری به این معنا که فکر می‌کنند حتماً باید ازدواج کنند در غیر این صورت در جامعه به آنان با دید منفی نگاه خواهد شد. توجه به این نکته ضروری است که تمام قوانین و احکام اسلامی، به‌تفصیل در قرآن بیان نشده است، بلکه منابع دیگری مانند احادیث معصومان

(ع) نیز برای استنباط احکام وجود دارد. اما در مورد مسئله مورد پرسش، اگرچه آیه‌ای در قرآن کریم وجود ندارد، اما در فقه اسلامی بر اساس منابع دیگر (سنت، عقل و اجماع) اجبار دختر بر ازدواج به‌شدت نهی شده است، به‌گونه‌ای که اگر دختر بدون رضایت و تنها با اجبار پدر به ازدواج کسی در بیاید، عقد او باطل است و اگر فرزندی از این ازدواج به دست آید، حلال‌زاده نبوده و ولد شبهه است و بر پدر نیز گناه بزرگی است (دراین‌باره رجوع کنید به نظر مراجع در پاسخ)، از طرف دیگر، دختر بدون اذن پدر نمی‌تواند ازدواج کند (تنها در مورد دختر رشیده نیازی به اذن پدر نیست) و باید اجازه پدر را در امر ازدواج داشته باشد. از آنجاکه بنای عقد ازدواج بر محور شخصیت طرفین است، شخصیت طرفین عقد باید روشن و بدون هرگونه ابهام باشد. به‌عبارت‌دیگر زن باید دقیقاً بداند که با چه کسی عهد زندگی بسته است و شوهر نیز باید با همان همسری پیمان ببندد که او را به‌درستی برگزیده است.

ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ‌یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط صحت نکاح است» تعیین زن و شوهر ممکن است با دیدن و اشاره صریح یا با تعیین نام و مشخصات دقیق صورت گیرد. ولی در هر صورت هر کس باید با همان فردی پیمان زناشویی ببندد که او را منحصرأ برگزیده است. با توجه به این که عقد ازدواج مبتنی بر شخصیت طرفین عقد است اشتباه در شخصیت هر یک از زن یا شوهر سبب بطلان عقد است این اشتباه ممکن است به یکی از صورت‌های زیر باشد:

الف- اشتباه در شخصیت مادی: یعنی آن کسی که طرف عقد واقع شده، مقصود همسر نبوده است. در این شرایط عقد باطل است.

ب- اشتباه در شخصیت مدنی و حقوقی طرف عقد: مانند این که فردی مدارک تحصیلی یکی از اندیشمندان و مشاهیر ایران را برآید و به دلیل شباهت ظاهری، خود را به شکل و شمایل او در آورد به گونه‌ای که سبب اشتباه گردد و سپس با مدارکی جعلی به خواستگاری دختری فرهیخته رود و دختر به خیال این که با فردی متشخص ازدواج می‌کند عاشقانه به عقد او درآید در این شرایط دختر با همان کسی که ظاهراً دیده است ازدواج کرده ولی نسبت به هویت مدنی و حقوقی او در اشتباه بوده است که سبب بطلان عقد است.

ج- اشتباه در اوصاف: مثلاً ممکن است دختری به تصور این که فردی مهندس است با او ازدواج کند ولی پس از عقد متوجه اشتباه و تصور نادرست خود بشود. این گونه اشتباهات هیچ تأثیری در عقد ندارد ولی اگر مرد خود را به دروغ مهندس معرفی کرده باشد و زن با اشتباه در تشخیص اوصاف وی با او ازدواج کند این اشتباه سبب بطلان عقد نمی‌شود و صرفاً برای زن اختیار فسخ نکاح را ایجاد می‌کند.

عقد نکاح منجز است؛ یعنی عقد ازدواج باید قطعی بوده و معلق به هیچ شرطی نباشد مثلاً اگر فردی بگوید من تو را به عقد خود در آوردم و طرف مقابل هم به شرط خرید ویلا در شمال قبول نماید در چنین شرایطی هم شرط و هم عقد باطل است. ماده ۱۰۶۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «تعلیق در عقد موجب بطلان است»

علاوه بر این از دیدگاه قانون مدنی ایران شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به مهر جایز است مشروط بر این که مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده است. اسناد حقوق بشر، همه بر انتخاب آزادانه و فارغ از هرگونه تحمیل و اجبار در انتخاب همسر و شریک زندگی تأکید دارند و آن را از حقوق اولیه هر فرد می‌دانند و با ازدواج‌های اجباری مخالف‌اند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگر نیز بر رضایت کامل طرفین عقد نکاح، تأکید و اصرار دارند و آن را جزء ارکان اساسی عقد نکاح می‌دانند؛ برای مثال میثاق بین‌المللی حقوق مدنی- سیاسی در این باره می‌گوید:

۱. خانواده، عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد؛
۲. حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند، به رسمیت شناخته می‌شود؛
۳. هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.

۵- انواع ازدواج‌های اجباری

نمونه‌های مختلفی از ازدواج‌های اجباری در فرهنگ‌ها و سنت‌های مردم وجود دارد که در طول تاریخ و با وجود شرایط، فرهنگ و دیدگاه‌های مردم اجرا شده است در این قسمت به شرح ذیل به بررسی و معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت:

۵-۱- ازدواج ربایشی: در ازدواج ربایشی قبیله‌ای که هم افتخارش جنگاوری و نبرد تعریف شده بود، شیوه خاصی را در همسرگزینی اتخاذ می‌نمود. در این شیوه مرد با اسب، دختری را که بر اسب نشسته دنبال می‌کرد و دختر تلاش می‌نمود تا از دست او فرار کند، چنانچه مرد می‌توانست او را به چنگ آورد، همسرش را ربوده بود. ویل دورانت این رسم را در اسپارت نیز مشاهده کرده است. در اسپارت پدر و مادر، مسئول تدارک ازدواج فرزندان خود بودند، داماد برای تصاحب عروس پول نمی‌پرداخت، وی می‌بایست عروس را به‌زور از خانه‌اش بیرون بکشد و عروس موظف است که در مقابل او ایستادگی نماید، از این‌رو در نزد اسپارتیان کلمه زناشویی به معنی ربودن بود، در مواردی نیز جمعی از مردان و زنان مجرد را که از لحاظ عدد مساوی بودند، در اتفاقی تاریک گرد می‌آوردند تا در تاریکی، هر یک از مردان، شریک خود را از میان دختران برگزینند (دورانت، ۱۳۴۹: ۱۵۰). در برخی ملل قدیم نظیر هندوها و چینی‌ها و بسیاری از قبایل وحشی، ازدواج خارجی سه نوع بود که یک قسم آن اسیر کردن و ربودن پنهانی زن، علیرغم مخالفت و بدون اطلاع خانواده وی بود. در واقع زن گرفتن یک مرد عبارت بود از اسیر کردن و تصرف حیوان بارکشی که برای جمع‌آوری هیزم، آوردن آب و سایر کارهای پرمشقت آن نواحی به کار آید (مصلحتی، ۱۳۷۹: ۴۳).

۵-۲- ازدواج یغمائی: زناشویی یغمائی در عربستان دوران جاهلیت بسیار معمول بود. منظور از ازدواج یغمائی یا زناشویی به‌وسیله تراج، آن است که مرد یا زن را به‌منظور زناشویی برابیند و به یغما و تراج ببرند. طرف یغماگر معمولاً مرد بود. این نوع زناشویی بیشتر در زمان جنگ و نزاع و شبیخون اتفاق می‌افتاد که طرف پیروز همه‌چیز از جمله زنان را به یغما و اسارت می‌برد. برخی محققان معتقدند علت نفرت عرب جاهلیت از دختر و زنده‌به‌گور کردن وی، بیشتر در اثر رسم ازدواج یغمائی بوده است (مصلحتی، ۱۳۷۹: ۴۴).

۵-۳- ازدواج وراثی: در کشور گابن، سابقاً بعد از مرگ شوهر، زن یا زنان وی متعلق به وارث یا وارثان قانونی او بود، وارث می‌توانست یا خود از زن استفاده کند یا او را به اقوام دورتر متوفی انتقال دهد، در قبیله «یاریبای» آفریقا، پسر، زن بیوه پدر را به ارث می‌برد و اگر مادرش نبود، می‌توانست با او هم‌بستر شود، اگر زن، مادر او بود فقط برای استفاده بارکشی و کار کردن از او استفاده می‌کرد. (مقدسی، عامری، ۱۳۹۵: ۱۷۲)

۵-۴- ازدواج از طریق خرید همسر: نظام پدرسالاری و انتساب فرزندان به پدر موجب شده بود تا مردان برای همسرگزینی به خرید همسر یا همسرانی اقدام نمایند، این وضع با کالا شدن یا کالا پنداری زنان همراه بوده و در طول تاریخ به صور گوناگونی صورت گرفته است. در بابل کسانی که دختران در سن ازدواج داشتند آنان را به محلی می‌آوردند و دلال‌ها آن‌ها را توصیف کرده و می‌فروختند، ولی هر یک از دختران را فقط به شرط به فروش می‌رساندند که همسر نامیده شوند، به همین مناسبت نیز در عصر «هومر» در یونان باستان، از دختران «گاو آور» نام برده می‌شود، به‌زعم «گونتر» خرید زن، اساسی‌ترین شکل ازدواج بین اقوام هندواروپایی و مردم آلمانی نژاد بوده است، به‌طوری‌که ازدواج از طریق خرید در حقیقت همان ازدواج هندواروپایی است. «لوی» نیز در بین اقوام ساکن در آمریکای شمالی به همین رسم اشاره می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۷۹).

۵-۵- ازدواج سیاسی: نوعی از ازدواج تحمیلی که دختران برای رفع خصومت و فرو نشاندن آتش جنگ و خونریزی بوده است این وصلت و خویشاوندی جنگ مهیبی را به صلح و آرامش مبدل می‌کند (رضازاده، ۱۳۶۹: ۱۸۲).

۵-۶- ازدواج مبادله‌ای: ازدواج مبادله‌ای یکی از رسومی است که در مناطقی از ایران و کشمیر رواج داشته و گاهی به نام «گاو به گاو» یا «زن به زن» نیز نامیده شده است، بر طبق این رسم، دختران یا مادران بیوه، وادار به ازدواج با پسر یا مرد خانواده‌ای می‌شوند که برادر یا پدر آن‌ها خواهان ازدواج با دختر یا مادر آن خانواده باشد (ضمیری، ۱۳۸۶، شماره ۲۴).

۶- علل ازدواج اجباری یا تحمیلی

ازدواج اجباری به دلایل و طرق زیر به وجود می‌آید:

۶-۱-۱- علل ازدواج اجباری به شیوه مستقیم

۶-۱-۱-۱- عوامل فرهنگی

فرهنگ، در شکل‌دهی رفتارها و هنجارهای اعضای جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، زیرا فرهنگ، کنش‌ها و نقش‌های نهاد اجتماعی را با توجه به موقعیت‌های اجتماعی، زیستی و اقلیمی، تعریف و تعیین می‌کند. شناخت و تصویر از یک پدیده و نوع کارکردهای آن در سیستم اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل فرهنگی در بروز رفتار آدمی نسبت به آن پدیده است. بی‌تردید نگاه نادرست به زنان در جامعه، در شکل‌گیری ازدواج‌های تحمیلی به روش فرهنگ منطقه تأثیر بسیار دارد (محمدیان، ۱۳۹۲). بنابراین در میان فرهنگ‌عامه ملل مختلف، هم از نظر تاریخی و هم از نظر فرهنگی، ازدواج اجباری وجود داشته و هم‌اکنون نیز در برخی مناطق دنیا، می‌توان شاهد ازدواج از طریق اجبار، اکراه و فشار بود. همه مراجع عظام تقلید این نوع ازدواج را باطل دانسته‌اند، زیرا رضایت زن در عقد ازدواج نادیده انگاشته شده است. فتوای رایج فقهای معاصر این است که رضایت دختر و اذن پدر، هر دو در جواز عقد نکاح، لازم است و قانون مدنی نیز بر همین فتوا استوار شده است. عوامل مختلفی مانند حاکمیت فرهنگ مردسالارانه، عوامل فرهنگی، روان‌شناختی، اقتصادی، نابرابری جنسیتی، حاکمیت خشونت، مهاجرت و پناهندگی در بروز ازدواج اجباری نقش دارند. (ضمیری، ۱۳۸۳: ۲۴).

۶-۱-۲- عوامل اقتصادی

پندار بسیاری از مردم بر این است که رمز رفاه و سعادت افراد در دستیابی به ثروت و پول بیشتر مخصوصاً در زندگی زناشویی می‌باشد و پول را حلال همه مشکلات در زندگی و تأمین رفاه خود می‌دانند. لذا گاه مشاهده می‌شود برای دستیابی به آرمان ذهنی و باور غلط خود برای رهایی از زیر بار فشارهای اقتصادی، دختران جوان خود را به ازدواج با مردان مسن و پولدار مجبور می‌کنند. معمولاً این گونه ازدواج‌ها برای دختران جوان خوش‌عاقبت نبوده و با بالا رفتن سن، مردان سالمند با سوءظن و بدبینی شدید با همسر جوان خود رفتار می‌کنند و پیوسته او را در معرض سؤالات و بازخواست‌های مختلف قرار می‌دهند و نوعی شک یا تردید در آزاد گذاشتن همسر جوان خود در مردان ایجاد می‌شود (روزنامه آفرینش، ۱۳۸۲).

۶-۱-۳- عوامل روان‌شناختی

بسیاری از مردم به‌ویژه آنان که تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی- سنتی قرار دارند، میان شخصیت زن و مرد تفاوت عمده‌های قائل‌اند و معتقدند که زنان در ابعاد روحی و شخصیتی خودشان معمولاً به‌سرعت تحت تأثیر واکنش‌ها و صاعقه‌های عاطفی قرار گرفتند و نمی‌توانند بر اساس منطق و واقع‌بینی برای آینده خود تصمیمی اتخاذ نمایند و معمولاً زن را «ضعیفه» خطاب می‌کنند. این پندار ضعیف‌انگاری زن، دستاویزی برای تحمل رأی و نظر خود دارد، در مورد ازدواج دختران شده و برخی از زنان را در جوامع سنتی، با نوعی تنگ‌نظری مواجه کرده است.

۶-۲- علل ازدواج اجباری به شیوه غیرمستقیم

وجود شرایط سخت فردی، خانوادگی و اجتماعی موجب می‌شود تا برخی دختران ناخواسته تن به ازدواج دهند. حتی گاه ازدواج‌های ناخواسته با فردی انجام می‌شود که موقعیت مناسبی برای ازدواج ندارد، به‌طور نمونه دارای فاصله سنی زیاد است، دارای سابقه ازدواج است، در شرایط فعلی دارای زن و فرزند است یا آنکه در حال متارکه همسرش می‌باشد و این شرایط از سوی دختر پذیرفته شده نیست اما شرایط خاصی فرد را به انتخاب نادرست، ناخواسته، تحمیلی و ناخوشایند می‌کشد. به‌گونه‌ای که موجب ایجاد عقده‌های روانی، نارضایتی زناشویی و سرافکنندگی اجتماعی و بروز اختلالات رفتاری در خود و خانواده و اجتماع می‌شود. در ادامه به ذکر موارد و مصادیقی می‌پردازیم که ازدواج ناخواسته را به بار می‌آورند.

۶-۲-۱- بررسی علل خانوادگی

گاه والدین با فشارهایی که بر خانواده و فرزندان خود مانند فشار اقتصادی و کار کردن دختران و یا روش‌های آزاد جسمی چون کتک زدن و ... وارد می‌کنند باعث می‌شود دختر احساس سربار بودن کند. در این صورت تحمیل فشارهای اقتصادی بر خانواده و حس سرافکنندگی مواجه می‌شود. این احساس که در شرایطی مانند برخوردهای کلامی و اعتراضات مستقیم پدر با سایر اعضای خانواده (تنی یا ناتنی) اوج می‌گیرد، می‌تواند فرد را به این تصمیم نادرست سوق دهد که ازدواج تنها راه‌هایی از این مشکلات است، لذا با وجود عدم علاقه‌مندی به فرد مقابل، فقط به جهت ناخشنودی از رفتار و مناسبات اعضای خانواده، ناخواسته تن به ازدواج با فردی می‌دهد که شرایط مناسبی ندارد (محمدیان، ۱۳۹۲).

اجبار به ازدواج توسط پدر دختر: با توجه به اراده طرفین برای ازدواج، رضایت آنان شرط تأثیر می‌باشد، در این صورت والدین نمی‌توانند هر یک از طرفین را برای ازدواج مجبور و اجبار به ازدواج نمایند. اگرچه رضایت پدر و یا جد پدری برای ازدواج دختر ضروری می‌باشد ولی طبیعی است که هیچ‌یک از پدر و یا جد پدری نمی‌توانند، دختر را برای ازدواج با شخصی که به هیچ‌وجه مطلوب او نمی‌باشد اجبار نماید و یا از ازدواج با شخصی که مطلوب دختر می‌باشد و رضایت دارد، منع نماید. اگرچه والدین برای ازدواج فرزند خود غبطه و مصلحت فرزند را در نظر می‌گیرند، ولی نباید به نحو افراطی باشد و اگر دختر را اجبار به ازدواج نمایند و ازدواج بر مبنای اجبار، واقع گردد، به جهت فقدان قصد و اراده دختر یا پسر، باطل خواهد بود. (خسروان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵)

رهایی از امرونهی خانواده و کسب استقلال: هر چه قدر که دختر مجرد در خانه پدری، با امرونهی والدین بیشتر مواجه باشد، احساس می‌نماید که برای انجام امور خود فاقد استقلال و آزادی نظر و عمل است، لذا احساس فشار و تنگنای بیشتری می‌کند، تلاش می‌نماید تا از این فضا خارج شود. در این شرایط ازدواج در نظر او می‌تواند مفری محسوب شود. در اغلب موارد این موضوع، فرد را به انتخاب نادرست، ناخواسته سوق می‌دهد.

مشکلات و نیازهای خانواده: خانواده‌هایی که درآمد اندک و پایین دارند و تعداد فرزندانشان بسیار است، ازدواج دختر می‌تواند هزینه‌های زندگی را به مقدار مخارج وی کاهش دهد و تا حدی به اقتصاد خانواده کمک نماید. هرچند تهیه جهیزیه تا مدتی هزینه زندگی را برای والدین افزایش می‌دهد.

۶-۲-۲- دلایل فردی

شامل رهایی از تنهایی و اضطراب: گاهی برخی افراد به این دلیل ازدواج می‌کنند که از تنهایی و اضطراب می‌ترسند، اکثر انسان‌ها نمی‌توانند تنهایی را تحمل کنند و افسرده و پریشان می‌شوند، به همین دلیل تصمیم به ازدواج می‌گیرند. این انگیزه گاه در جهت منفی چنان شدت می‌گیرد که فرد دست به انتخابی تعجیلی می‌زند.

ترس از افزایش سن و کاهش فرصت ازدواج: در شرایطی که جوانی و چهره زیبا مهم‌ترین ملاک انتخاب دختر می‌باشد، (البته جوان‌گرایی در تمام دنیا وجود دارد) ترس از دست دادن زیبایی و جذابیت، ورود به سنین بالاتر و کاهش فرصت انتخاب و احتمال عدم ازدواج بر افکار فرد سایه می‌افکند و احساس ناامنی در وی به وجود می‌آورد. این شرایط فرد را به سوی گزینش ناخواسته سوق می‌دهد.

اصرار خواستگار: در برخی از شرایط خواستگاران، دختر را تحت فشار روحی و اصرار و ابرام قرار می‌دهند. این امر معمولاً قدرت تحقیق، تفکر و تحلیل را سلب می‌کند و او را ناخواسته به سوی پاسخ مثبت و ازدواج ناخواسته می‌کشاند.

ترس از فقدان خواستگار در آینده است. برای بسیاری از دختران فرصت، شانس و احتمال انتخاب شدن، بعد از سپری شدن زمان مناسب ازدواج، در حاله‌ای از ابهام است و آن‌ها را به انتخاب گزینه‌هایی مجبور می‌سازند که چندان رضایتی نیز به ازدواج با آن فرد ندارند.

اجبار به ازدواج توسط خواستگار (ترس از عملکرد نادرست خواستگار): قبل از نکاح، طرفین طبق آداب و رسوم و برای شناخت یکدیگر می‌توانند ملاقاتی داشته باشند و برای شناخت یکدیگر اقدام کنند تا در صورت رضایت و تفاهم اقدام به ازدواج نمایند. ولی اگر به هر دلیلی این رضایت و تفاهم حاصل نگردد، نباید طرف دیگر از این امر سو استفاده نماید و بخواهد اقدام به اجبار به ازدواج به طرف دیگر کند. طبیعی است هرگاه خواستگار و یا شخص دیگری، دختر و یا خانواده دختر را بخواهد به جهت نکاح، تحت فشار قرار دهد و اجبار به ازدواج کند و برای این منظور از ارباب و یا تهدید و ایجاد ضرب و جرح استفاده نموده و طرف مقابل را اجبار به ازدواج کند، اقدام او برای نکاح، قانونی نبوده و علاوه بر این، مستوجب مجازات کیفری هم خواهد بود. (خسروان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

بنابراین گاه برخی از خواستگاران که اصرار زیادی به ازدواج با فرد خاصی دارند، در هنگام مواجه شدن با پاسخ منفی دختر، او را تهدید به انجام اعمال خطرناک، هتک حرمت و نیز انجام اقداماتی علیه حیثیت و آبروی دختر می‌نمایند، در برخی موارد چنین تهدیدات و اقداماتی منجر به پذیرش ازدواج از سوی دختر می‌شود، درحالی که هیچ تمایل و علاقه قلبی رو به وی ندارد. **لجبازی با خواستگاران قبلی:** گاهی دختر با عدم تأیید خواستگاری خاص مواجه می‌گردد، یا آنکه فردی اظهار علاقه ظاهری می‌کند، ولی خواستگاری نمی‌نماید؛ در این حال احتمال اینکه دختر سریع شتاب زده با فردی دیگر ازدواج کند، بسیار زیاد است، زیرا او با خود می‌اندیشید که از این طریق بتواند نشان دهد که برای ازدواج هیچ مشکلی نداشته و افراد بسیاری بوده‌اند که خواستار ازدواج با وی بوده‌اند. درحالی که این ازدواج ناخواسته می‌تواند فرد را تا آخر عمر با مشکلات خاص خود مواجه نماید و زندگی او را تباہ سازد.

فقدان خواستگاران متعدد: ازدواج ناخواسته برخی دختران به جهت فقدان خواستگاران مناسب است، لذا در این شرایط، دختری که خود را مقید به ازدواج خواستگاری از سوی پسر می‌نماید، مجبور است که منتظر بماند تا فردی او را موردپسند قرار دهد، حتی اگر رغبتی به وی ندارد، ازدواج کند.

فرار از تحصیل: گاه مشاهده می‌شود دخترانی که تحت فشار و اجبار والدین خود برای تحصیل می‌باشند و تحصیل را به‌عنوان پرستیژ خانوادگی ضروری و دارای اهمیت می‌دانند دختر برای رهایی از فشارهای خانواده برای ادامه تحصیل، تلاش می‌کند با ازدواج، راه نجات برای خود جستجو کند تا بتواند ترک تحصیل کند و این رهایی از اجبار به تحصیل میسر نمی‌شود جز با ازدواج اجباری که با اولین خواستگار میسر نمی‌شود.

ترحم و دستگیری از خواستگار: زناشویی را نباید به‌منظور دستگیری و ترحم به فردی انجام داد، حس ترحم تا چه مدت می‌تواند سبب تسکین نیازمندی‌های دیگر حیات زناشویی باشد. این انگیزه نادرست در واقع به‌طور غیرمستقیم قدرت انتخاب فرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

پیروی از لذات نفس: هرچند برخی از دختران می‌اندیشند ازدواج با فردی که عاشق او می‌باشد اوج خوشبختی و سعادت است، اما در یک تحلیل دیگر می‌توان بیان داشت از آنجاکه عشق، قدرت درک و تصمیم‌گیری عاقلانه را سلب می‌کند، نوعی ازدواج کورکورانه، ناخواسته، دور از دقت کافی است. در این شرایط فرد تسلیم لذات پوچ شده و سر به فرمان دل می‌سپارد. اغلب چنین ازدواج‌هایی ناپایدار است.

رهایی از سؤالات اطرافیان: معمولاً در مجامع عمومی، مهمانی‌های جمعی یا فامیلی، از دختر سؤالی می‌شود که آیا ازدواج کرده‌ای یا نه؟ چرا؟... درحالی که اغلب افراد می‌دانند که خواستگاری و ازدواج، توسط پسران انجام می‌دهند، ولی چنین سؤالاتی می‌تواند موجب اضطراب و ناراحتی دختر شود و شرایط را بر وی تنگ نماید تا حدی که تصمیم بگیرد، خواستگاری را که تمایل چندانی به وی ندارد، انتخاب کند.

در برخی موارد والدین با استفاده از نفوذ خود، اصرار بر انجام ازدواج با فرد خاصی دارند. فشار والدین و جامعه بر افراد برای تطبیق با الگوهای بهنجار می‌تواند کسانی را که تن به ازدواج نمی‌دهند، به سوی همسرگزینی و ازدواج ناخواسته سوق دهد. در اغلب موارد به سختی می‌توان خانواده‌ها را از مظطرب نمودن فرزندان در ازدواج بازداشت.

۶-۲-۳- علل اجتماعی

ازدواج‌های زودهنگام دلایلی اجتماعی نیز دارد که در واقع عوامل مهمی در وقوع ازدواج‌های اجباری هستند. **رہایی از تحقیرهای اجتماعی:** از آنجاکه نقش مادری و همسری زن از سوی اجتماع مورد تأیید است، لذا هرگونه سستی یا عدم موفقیت و ناکامی در دستیابی به چنین موقعیتی، برچسب‌ها و استهزاهای اجتماعی را به دنبال دارد. **ورود به دنیای بزرگ‌سالی:** در جوامعی که تجرد به مفهوم غوطه‌ور بودن در عالم کودکی، ناپختگی و بی‌تجربگی است و دختر مجرد در موارد مختلف احساس می‌نماید که نظر، عقیده و تصمیم‌گیری وی به جهت عدم تأهل از سوی دیگران پذیرفته نمی‌شود، سعی خواهد نمود که برای کسب احترام و منزلت اجتماعی ازدواج نماید، هرچند که فرد مقابل شرایط مناسبی نداشته باشد.

رہایی از برچسب‌های اطرافیان: در برخی فرهنگ‌ها، تجرد دختران به مفهوم عدول از رعایت مسائل اخلاقی تلقی می‌شود و اغلب این تصور که اگر دختر ازدواج نکند، گزینه جنسی او را رها نخواهد کرد، در اذهان وجود دارد. این تفکر و قضاوت در مورد رفت‌وآمدها و اخلاقیات دختر، با برچسب‌های اخلاقی و بروز رفتارهای اغواگرانه برخی مردان همراه است و دختر را در فشارهایی قرار می‌دهند که برای رهایی از آن شرایط، با فردی که هیچ تمایلی به وی ندارد ازدواج کند. تقریباً در تمام طبقات و اقشار جامعه ازدواج مورد تأیید است. لذا جامعه کسانی را که ازدواج نکنند (چه خود نخواهند و چه موردی برای ازدواج نیابند) به عنوان افرادی می‌شناسند که از پذیرش مسئولیت زندگی زناشویی طفره می‌روند و در برابر ازدواج مقاومت می‌کنند یا از بار وظایف اجتماعی شانه خالی می‌کنند، ... (گاه بیان می‌شود که زن مجرد هم از لحاظ وظایف اجتماعی و هم از لحاظ خودکفایی و استقلال شکست خورده است...) چنین قضاوت‌هایی می‌تواند فشارهای را بر فرد وارد سازند و او را مجبور نماید که ناخواسته به ازدواجی تحمیلی تن در دهد.

۷- آثار و پیامدهای ازدواج‌های اجباری

۷-۱- آثار ازدواج‌های اجباری

ازدواج‌های اجباری آثاری آسیب‌زای اجتماعی نیز دارند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.
۱- عدم ثبت نکاح: ازدواج‌های اجباری که در سنین پایین انجام می‌شود، در دفاتر رسمی ازدواج ثبت نمی‌شوند زیرا خانواده، این دختران خصوصاً پدران، به غیرقانونی بودن اجبار در ازدواج دختر بخصوص در سنین پایین آگاهی دارند، لذا این اتفاق را پنهان می‌کنند.

۲- افزایش جرائم و شبه جرائم: تحمل و اجبار در ازدواج که امری فردی، شخصی و وابسته به رضایت طرفین است. می‌تواند تعداد خانواده‌های آشفته و نابسامان را افزایش دهد. جامعه‌ای که خانواده‌های آن فاقد آرامش و رضایت زناشویی است، جامعه سالم و به دور از آسیب‌های اجتماعی نخواهد بود.

۷-۲- پیامدهای ازدواج تحمیلی

۷-۲-۱- طلاق

از پیامدهای بسیار ناگوار ازدواج تحمیلی، گسست بنیان خانواده است. متأسفانه بر اساس آمارهای ارائه‌شده میزان پدیده طلاق ظرف ۴۰ سال گذشته در جهان سه برابر افزایش یافته است. در ایران نیز از هر ۱۰۰۰ ازدواج، حداقل ۱۷۴ مورد آن به طلاق می‌انجامد (روزنامه عدالت، ۱۳۸۲).

و ادار کردن جوانان بدون توجه به آمادگی و علاقه آن‌ها به ازدواج، می‌تواند پیامدهای ناخوشایند و جبران‌ناپذیری مدت آن احساس عدم درک متقابل، عدم توانایی در تأمین هزینه‌های زندگی و ... است که در نهایت موجب نوعی احساس سرخوردگی می‌شود، به گونه‌ای که تحمل یکدیگر زیر یک سقف برای آن‌ها مشکل بوده و جدایی تنها راه رهایی خواهد بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۲). مطابق آمار در استان چهارمحال و بختیاری، ازدواج تحمیلی یکی از عوامل وقوع طلاق در این استان است (مجله روز زن، ۱۳۷۷). در کل کشور ازدواج‌های اجباری، عامل ۳۰ درصد از طلاق اعلام شده است (روزنامه همشهری، ۱۳۸۰).

۷-۲-۲- همسر کشی

یکی دیگر از عوارض منفی ازدواج اجباری است. گاهی در ازدواج‌های اجباری آن‌قدر فشارهای روحی و روانی بر زنان زیاد می‌شود که تنها راه رهایی از محرومیت و فشار و نابرابری را اقدام به قتل همسر خود یافته‌اند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که همسر کشی عمدتاً در گروه سنی ۱۸-۲۴ سال بوده و در تمامی طبقات اجتماعی اتفاق می‌افتد، مطابق آمار، بیشتر زنان مجرم، کم‌سواد یا بی‌سواد بوده‌اند و ۸۰ درصد زنان همسرکش، خانه‌دار می‌باشند. این امر نشان می‌دهد که آن‌ها فشار مضاعفی را تحمل کرده و با این کار از محرومیت‌هایی که در خانه و جامعه با آن مواجه‌اند انتقام می‌گیرند. به اعتقاد پژوهشگران مسائل اجتماعی، همسرکشی زنان انتهای مسیری است که ابتدای آن ازدواج ناخواسته، طول مسیرش تحمل فشارها، سختی‌ها و نابرابری‌های بسیار و رسیدن به نقطه کور و عاری از هرگونه راه‌حل منطقی است (نصیری، ۱۳۹۵).

۷-۲-۳- دیگر آثار و پیامدها

ازدواج باید بر پایه اصول درست، اخلاق، عشق، محبت و درک متقابل دو انسان (زن و مرد) صورت گیرد که این زوج بتوانند با چارچوب درست زندگی خود را بسازند و جوانه‌های امید و خوشبختی را بدون اکراه در همسرگزینی و شرایط تحمیلی ایجاد کنند. اما زمانی که این اصول رعایت نشود پیوند مقدس به شکل کابوس وحشتناک و غیرقابل تحمل در می‌آید و زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان را با آسیب‌های جسمی و غیرقابل جبران مواجه می‌سازد. اولین عوارض منفی ازدواج اجباری (به‌ویژه در سنین پایین) متوجه بدن و جسم زنان می‌شود و بر سلامت جسمانی آن‌ها تأثیر بسیار منفی می‌گذارد. دخترانی که در سنین پایین روانه خانه همسر می‌شوند علاوه بر حاملگی‌های ناخواسته و زودرس، در معرض عوارض جبران‌ناپذیر جسمی قرار می‌گیرند. زایمان و شیردهی هم به این عوارض منفی اضافه شده تأثیرات ازدواج‌های تحمیلی را چندان برابر می‌کند. یکی دیگر از عوارض زیان‌بار ازدواج‌های اجباری برای زنان بروز روحیه پرخاشگری است، این اندیشه که نتوانسته در پرتو زندگی مشترک به احساس خوشبختی و سعادت دست یابد، آن‌ها را به سوی انتخاب پرخاشگری به‌عنوان وسیله و مکانیسم دفاعی سوق دهد. مجموعه این فشارهای روانی ایجاد هرگونه ابتکار، طراوت و نشاط را در محیط خانه برای این دختران از بین می‌برد و خانه را برای آنان به زندانی با میله‌های روانی و نامرئی تبدیل می‌کند و افسردگی، پرخاشگری، دل سردی از زندگی را به همراه می‌آورد. سست شدن بنیان خانواده، طلاق، فرار از خانه، سوءظن، فقدان تفاهم بین زوجین، همسر آزاری و همسر کشی، وجود فرزندان بزهکار، انحطاط اخلاقی از دیگر عوارض زیان‌بار ناشی از ازدواج اجباری می‌باشد.

۸- راهکارهایی جهت پیشگیری و کاهش ازدواج اجباری

به‌منظور جلوگیری از ازدواج‌های اجباری پیشنهادهاى مختلفی ارائه شده است که بیشتر در خصوص سن ازدواج است و در جوامع اسلامی بین سن رشد قانونی و سن بلوغ شرعی هماهنگی وجود ندارد و این مسئله موجب پیدایش ازدواج در سنین مختلف می‌شود. برخی از کارشناسان برای انانث سنین بین ۲۴-۲۸ سالگی و برای ذکور سن بالای ۲۸ سالگی را پیشنهاد داده‌اند. نظریات فقهای قدیم و جدید نیز در خصوص تعارض بین سن رشد و بلوغ شرعی موجب طرح مسائل و فتاوی مختلف شده است از جمله این‌که ازدواج زیر سن رشد منع شرعی ندارد ولی اگر رضایت پدر در ازدواج زیر سن رشد تضمین‌کننده مصلحت کودک باشد جایز است و در صورتی که این مصلحت رعایت نشود، دادستان یا حاکم شرع می‌تواند حکم بر بطلان نکاح

اجباری دهد. از مجموع بررسی نظریات فقهای اسلام می‌توان استنباط نمود که اغلب آنان نیز شرط صحت عقد ازدواج را رضایت زن می‌دانند و در صورت اجبار نیز، اثر نکاح قابل تنفیذ یا رد از سوی زوجین است. اگر اکراه به درجه اجبار (سلب اراده و اختیار) برسد در این صورت به علت فقدان قصد، عقد باطل می‌باشد و رضایت بعدی نیز موجب تنفیذ عقد باطل نمی‌شود. در این راستا راهکارهایی که می‌تواند در کاهش و حتی ریشه‌کنی چنین پدیده‌های در جامعه تأثیر داشته باشد، به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزش حقوق در زمینه ازدواج، مشاوره خانواده برای دختران و پسرانی که در آستانه ازدواج قرار دارند؛ زیرا زنانی که از حقوق خود در فرآیند همسرگزینی و تشکیل خانواده آگاهی داشته باشند با روشن‌بینی و استحکام بیشتری، پا به عرصه زندگی جدید می‌گذارند؛ البته آموزش حقوق باید بر پایه اخلاق و دین‌داری ارائه شود تا دستاویزی برای افزایش تنش‌های خانوادگی و اختلالات عاطفی نشود.

۲. ارتقاء آگاهی‌های خانواده در خصوص حقوق دختران و نیز تبعات ناگوار ناشی از چنین پدیده‌های، در پیشگیری از ازدواج‌های تحمیلی مؤثر است، حکومت، موظف است با بدعت‌ها و سنت‌هایی که مغایر دین، عقل و علم است (نظیر آداب و رسوم خرافی همانند: گاو، نهد، هدیه و...) مبارزه نماید، نخبگان اجتماعی در این خصوص نقش مهمی بر عهده دارند، پیامبر گرامی اسلام (ص) در مورد مبارزه با بدعت‌ها می‌فرماید: «أَذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمَ عِلْمَهُ فَمَنْ كَم يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» وقتی بدعت‌ها در میان امت آشکار گردد، دانشمندان می‌بایست آگاهی و علم خود را به جامعه، عرضه نمایند و هر کس چنین نکند، نفرین خدا بر او باد.

۳. تدوین قوانین مناسب جهت حمایت از زنانی که قربانی ازدواج تحمیلی قرار گرفته‌اند، در این راستا می‌بایست، قوانین و مقرراتی را تدوین نمود که پدر بدون رضایت قلبی و تمایل دختر نتواند او را وادار به ازدواج نماید، می‌توان بر گره رضایت‌نامه مکتوب و مورد تأیید مراجع قانونی را ضمیمه سند ازدواج کرد و تعزیرات حکومتی که در اختیار قاضی و حاکم شرع است، ابزار مناسبی برای کنترل این پدیده می‌باشد، والدینی که فرزندان خود را به اجبار و عدم تمایلش وادار به ازدواج نمایند، باید مورد مجازات و کیفر قانونی قرار گیرند.

۴. ضروری است از طریق آموزش و دانش‌افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان، استقلال‌طلبی، احترام به انتخاب حق همسرگزینی دختران، از وقوع چنین شرایطی پیشگیری نمود؛ همچنین می‌توان از طریق رسانه‌های جمعی و همایش‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی به خانواده‌ها آموخت که برای استحکام و دوام یک ازدواج کامیاب، شناخت و صداقت، شروط اجتناب‌ناپذیر هستند و اگر این دو شرط با دقت مورد عمل قرار گیرد، می‌توان از فریب‌کاری‌ها، حوادث تلخ، دردناک و جبران‌ناپذیر پیشگیری نمود، در همین راستا طراحی نظام و سیستمی هماهنگ از خواست‌دوراندیشانه پدران و رضایت‌مندی دختران لازم است؛ زیرا از یک‌سو پدران و مادران بر اساس تجربه‌هایی که در زندگی کسب کرده‌اند و وسعت فکر و اندیشه خود، می‌توانند آینده را پیش‌بینی کنند و از سوی دیگر جوانان، خواسته‌های دیگری دارند؛ تلفیق این دو شرایط ضروری است، رفتار والدین در زمینه ازدواج اجباری دختر با فرهنگ خانواده، ارتباط و همبستگی ویژه‌ای دارد، خانواده‌هایی که از رشد فرهنگی بالایی برخوردارند، در زمان ازدواج فرزندان نقش مشاور و راهنما را بر عهده می‌گیرند و با ارشاد فرزندان خود تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده خود آن‌ها قرار می‌دهند و در برخی خانواده‌ها، والدین به جای فرزند تصمیم می‌گیرند، این امر گذشته از آنکه اخلاقاً نادرست است، از نظر حقوقی و قانونی نیز به‌درستی ازدواج، لطمه وارد می‌سازد.

۵. تعیین سن مناسب ازدواج یکی از اقدامات قانونی برای کاهش ازدواج‌های اجباری، تعیین سن مناسب برای ازدواج است، برخی روانشناسان، سن ۲۳ تا ۲۹ سالگی را برای ازدواج پسران و سن ۲۲ تا ۲۴ سالگی را برای دختران پیشنهاد کرده‌اند و برخی دیگر از صاحب‌نظران، سن ۱۸ سالگی را برای ازدواج توصیه می‌کنند؛ البته نکته اساسی این است که دختران و پسران در سنین مناسب که رشد فکری و بلوغ عقلانی یافته‌اند، ازدواج کنند و حق تصمیم‌گیری داشته باشند.

۶. ضروری است با سر دفتردارانی که چنین ازدواج‌هایی را ثبت می‌کنند یا افرادی که بدون هماهنگی با این دفاتر، به اجرای عقد ازدواج اقدام می‌کنند، برخورد قانونی مناسب انجام پذیرد.

۷. کاهش هزینه‌های زندگی، مهار تورم، اشتغال‌زایی و بهبود ساختار اقتصادی جامعه و حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت که برای تأمین مخارج سنگین زندگی، دختران خود را برای ازدواج با افراد پولدار مجبور می‌نمایند، جهت پیشگیری از این معضل اجتماعی کارساز خواهد بود.

۸. گردآوری آمار دقیق از ازدواج‌های اجباری در کشور جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان باید مدنظر قرار گیرد.
۹. با توجه به مطالبی که در مقاله مورد اشاره قرار گرفت، به نظر می‌رسد تأکید بر مسئله سن ازدواج و محدود کردن نکاح زیر سن رشد و ایجاد اصلاح در ماده ۱۰۴۱ ق. م نمی‌تواند مبنای فقهی و شرعی داشته باشد به‌ویژه که در بلوغ زودرس نمی‌توان مانع ازدواج جوانان شد و تغییر سن بلوغ راهکار مناسبی نیست. به جهت احترام به قوانین بالادستی بین‌المللی و نیز عدم مغایرت شرع با تغییر سن بلوغ شرعی به سن رشد قانونی که در بسیاری از مقررات قانونی مدنی رعایت اهلیت طرفین بر مبنای سن رشد مطمح نظر است، پیشنهاد می‌شود سن رشد برای پذیرش مسئولیت مالی و سن بلوغ با احراز توانمندی جسمی و جنسی تفکیک شده و برای ازدواج جوانان مواد قانونی جداگانه‌ای فراتر از ماده ۱۰۴۱ تصویب شود طوری که در تعارض میان دو سن بلوغ شرعی و رشد قانونی در تعیین اهلیت اشخاص در امر ازدواج با سایر به‌صورت جداگانه پایان داده شود.

۹- نتیجه‌گیری

نکاح، عقدی است غیر تشریفاتی با شرایط خاص در فقه امامیه و حقوق داخلی، انواع آن به دائم و منقطع احصاء شده است. در قواعد عمومی قراردادها بیان شده است که شرایط صحت عقود را خود قانون معین می‌کند و چون این قوانین اکثراً امری هستند، نمی‌توان برخلاف آن‌ها توافق کرد. این شرایط در همه قراردادها باید رعایت شود تا بتوان گفت قراردادی به وجود آمده است. در صورتی که شرایط اساسی قراردادها رعایت نشده باشد، عقدی به وجود نیامده که بخواهیم از ماهیت آن بحث کنیم.

حق ازدواج و تشکیل خانواده حقی است که هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و هم در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آن اشاره شده است. این حاکی از این است که دولت نه‌تنها نباید آزادی‌های فرد را در این خصوص سلب کند بلکه باید تدابیر لازم برای حمایت از آزادی فرد در مقابل دیگران را فراهم کند. ایران نیز عضو میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و به عهدنامه حقوق کودک نیز پیوسته است البته با اعلام حق شرط کلی نسبت مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی هستند که این نیز خود جای بحث دارد.

همانطور که بررسی شد ازدواج اجباری غالباً توسط والدین به فرزندان تحمیل می‌شود و تقریباً می‌توان گفت که دختر و پسر جوان، قدرت اختیار و تصمیم‌گیری در هنگام ازدواج ندارند. اگر تشکیل خانواده بنا بر توافق زن و مرد نباشد مشکلات زیاد و گاهی غیرقابل جبران را به بار می‌آورد. در ازدواج اجباری این زنان هستند که صدمه بیشتری می‌بینند چه از طرف جامعه و چه از طرف خانواده. در صورتی که فردی نخواهد با کسی ازدواج کند هرچند دلایل او منطقی و درست هم نباشد به نفع هر دو نفر است که باهم ازدواج نکنند. و چه‌بسا بیشتر به نفع طرف مقابل باشد که از چنین ازدواجی دور شود. به‌هیچ‌عنوان نباید افراد را حتی به دلایل منطقی برای ازدواج با یکدیگر مجبور کرد و آن‌ها را به آسیب‌ها و خطرات ازدواج اجباری دچار کرد. ازدواج بدون رضایت زوجین از نظر قرآن و عقل و شرع و قانون پذیرفته‌شدنی نیست و تحمیل کردن ازدواج به فرزندان منع شده است تا جایی که قانون‌گذار در ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی ذکر کرده رضایت زوجین شرط نفوذ عقد است. برای مبارزه با پدیده ازدواج اجباری و تأکید بر حق طبیعی دختران در همسرگزینی باید بپذیریم که بسیاری از رسوم و سنت‌های غلط ما احتیاج به اصلاح و تغییر دارد، اولاً ارتقاء آگاهی خانواده در خصوص حقوق دختران و نیز تبعات ناگوار ناشی از چنین پدیده‌های در پیشگیری از ازدواج‌های تحمیلی مؤثر است. دوم، تدوین قوانین مناسب جهت حمایت از

زنانی که قربانی ازدواج تحمیلی قرار گرفته‌اند. سوم، ضروری است از طریق آموزش و دانش‌افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان، استقلال‌طلبی، احترام به انتخاب حق همسرگزینی دختران، از وقوع چنین شرایطی پیشگیری نمود. چهارم، تعیین سن مناسب ازدواج یکی از اقدامات قانونی برای کاهش ازدواج‌های اجباری، تعیین سن مناسب برای ازدواج است. برخی روان‌شناسان سن ۲۳ تا ۲۹ سالگی را برای ازدواج پسران و سن ۲۲ تا ۲۴ سالگی را برای دختران پیشنهاد کرده‌اند و برخی دیگر از صاحب‌نظران سن ۱۸ سالگی را برای ازدواج توصیه می‌کنند. پنجم، ضروری است با سردفترانی که چنین ازدواج‌هایی را ثبت می‌کنند یا افرادی که بدون هماهنگی با این دفاتر، به اجرای عقد ازدواج اقدام می‌کنند، برخورد قانونی مناسب انجام پذیرد، ششم کاهش هزینه‌های زندگی، مهار تورم، اشتغال‌زایی و بهبود ساختار اقتصادی جامعه و حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت که برای تأمین مخارج سنگین زندگی، دختران خود را برای ازدواج با افراد متمول مجبور می‌نمایند، جهت پیشگیری از این معضل اجتماعی کارساز خواهد بود.

در اینجا لازم به ذکر است علل و عواملی که باعث ازدواج زودهنگام و اجباری می‌شود خود نشانی از انفکاک‌ناپذیری، وابستگی و ارتباط متقابل همه حقوق بشر و تأثیرگذاری متقابل حقوق بشر بر یکدیگر دارد. در جایی که یک کودک در جامعه کوچکی زندگی می‌کند که امکان ادامه تحصیل به دلیل فقر یا هر دلیل دیگری برایش مهیا نیست و یا اگر هست برای او و خانواده‌اش اهمیت چندانی ندارد بدان جهت که مهارت‌های زندگی را در حد مطلوب خود و جامعه‌اش در درون خانواده آموخته است و از نظر آنان سن بلوغ جسمانی با بلوغ فکری و اجتماعی او به حد کافی برای زندگی در اجتماع خودش مطابقت دارد؛ وقتی که اعتیاد یا اختلالات روانی یکی از والدین یا هر دو و فقر و بی‌سوادی آنان سایه شوم خود را بر زندگی یک کودک انداخته است؛ زمانی که سیل مهاجرت مردان به شهرها برای کار یا تحصیل، برای والدین دغدغه بی‌همسر ماندن دخترانشان را در پی دارد و یا ترس از آلوده شدن به گناه، آنان را به سمت ازدواج کودکانشان سوق می‌دهد صرفاً اکتفا به ممنوعیت و جرم‌انگاری ازدواج زودهنگام و اجباری بدون پرداختن به ریشه‌های آن که غالباً در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است نمی‌تواند چاره‌ساز باشد و حداقل اثر آن در کشوری نظیر کشور ما بالا رفتن میزان ازدواج‌های ثبت نشده، چندهمسری یا موج جدیدی از تجردهای ناخواسته می‌باشد که تبعات منفی آن کمتر از ازدواج‌های زودهنگام و اجباری نخواهد بود. چراکه قانون با واقعیت فاصله دارد و جامعه راه خودش را می‌رود. بدین جهت نهادهای حقوق بشری و قطعنامه‌ها و توصیه‌های آن‌ها نیز تأکید ویژه‌ای بر پرداختن به علل و عوامل این‌گونه ازدواج‌ها و تلاش برای از بین بردن آن دارند و صرف ممنوعیت و مجازات ازدواج‌های زودهنگام و اجباری را کافی نمی‌دانند. در ایران نیز به‌مانند سایر کشورها نمی‌توان علل و پیامدهای ازدواج‌های زودهنگام و اجباری را انکار نمود و تدوین یک برنامه جامع برای اصلاح قوانین بر اساس ظرفیت‌های فقهی و حقوقی موجود و همین‌طور پرداختن به علل و پیامدهای این‌گونه ازدواج‌ها به‌منظور پیشگیری از وقوع و کنترل پیامدهای آن به‌ویژه در قالب مقابله با فقر در کنار آگاه‌سازی و آموزش ضروری است.

۱۰- فهرست منابع

قرآن کریم

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۳). خوزستان و تمدن دیرینه آن. جلد ۲، بیجا: طبع و نشر.
- احمدوندی، فرهاد (۱۳۹۴). دیدگاه‌های تربیتی خانواده در خصوص ازدواج، ازدواج‌های تحمیلی. تبریز: دانشگاه تبریز.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۱). نهج الفصاحه. جلد ۱۹۳، تهران: جاویدان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی، سینمایی (۱۳۶۹). حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران. تهران.

رضازاده، علیرضا (۱۳۶۹). حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران. تهران: امیرکبیر.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱۴، تهران: انتشارات دادگستر.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
محمدیان، احمدعلی (۱۳۹۲). آثار ازدواج‌های اجباری در جوانان، بررسی روش‌های ازدواج‌های تحمیلی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یاسوج.
محمدی، پوران (۱۳۸۵). آهنگ نامبارک در ازدواج اجباری. روزنامه جام جم، ۱۳۸۵/۰۱/۲۶.
علامه مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۰). بحارالانوار. تصحیح محمدباقر بهبودی، جلد ۱۰۳، تهران: دارالکتب اسلامیه.
معین، محمد (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی. جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
مصلحتی، حسین (۱۳۷۹). ازدواج و ازدواج درمانی. تهران: نشر البرز.
نصیری، غلامعلی (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر ازدواج و پیامدهای خوب یا بد آن در طول زمان بر خانواده. جزوه برگزیده‌ای از دیدگاه‌های ازدواج. شیراز: دانشگاه شیراز.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴). نهج الفصاحه. تهران: جاویدان.
دورانت، ویل (۱۳۹۴). تاریخ تمدن یونان باستان. ترجمه امیرحسین آریانپور، تهران: انتشارات اقبال.

قوانین

قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۷۰.
قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.